

اخلاقی پس از اخذ رأی اعتماد
 نمایندگان برای تصدی وزارت دفاع:
حمله به ایران یعنی صدمات زیاد به دشمن و منطقه



نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه دیروز به «مهرداد اخلاقی» به عنوان وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح رأی اعتماد دادند.

نمایندگان در جلسه رأی اعتماد به وزیر پیشنهادی دفاع، با ۲۳۷ رأی موافق و ۱۵ رأی مخالف از مجموع ۲۷۷ نماینده حاضر در جلسه به مهرداد اخلاقی رأی اعتماد دادند.

مهراد اخلاقی کتابچی متولد ۱۳۳۷ در رشت از مدیران صنایع دفاعی ایران است که سابقه ریاست گروه صنایع شهید باکری و مدیرعاملی سازمان صنایع هوافضا را در کارنامه دارد. اخلاقی در پایان جلسه رأی اعتماد در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، درباره اینکه صحبت‌ها از احتمال درگیری مجدد بین ایران و آمریکاست، پاسخ شما به سوالات و نگرانی مردم به عنوان وزیر جدید دفاع چیست، اظهار کرد: مطمئن باشید به احتمال زیاد دشمنان جرأت نمی‌کنند به ما حمله کنند اما اگر حمله کنند صدمات بسیار زیادی هم به خودشان و هم منطقه خواهد خورد.

■ ■ ■
سرلشکر وحیدی:

آماده هم‌افزایی راهبردی با وزارت دفاع هستیم



فرمانده‌کل سپاه پاسداران از آمادگی این نهاد برای هم‌افزایی با وزارت دفاع در مقابله با جنگ ترکیبی خبر داد.

به گزارش تسنیم، سردار سرلشکر احمد وحیدی، با صدور پیامی ضمن تبریک کسب رأی اعتماد قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی و انتصاب مهرداد اخلاقی به سمت وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد: پیام روشن این رخداد خرسندکننده در خانه ملت مبعوث، ضرورت تداوم راه قدرت‌ساز و غرورانگیز شهید امیر نصیرزاده، در تقویت ظرفیت‌های راهبردی وزارت دفاع در مقطع سرنوشت‌ساز کنونی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

متن این پیام به‌شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
 برادر ارجمند جناب آقای مهرداد اخلاقی
 وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

سلام علیکم

کسب رأی اعتماد قاطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی و انتصاب جنابعالی از سوی رئیس‌جمهور محترم به سمت «وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» را صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

بی‌تردید این اعتماد قاطع و معنادار در شرایط خطیر کنونی کشور، پیش از آنکه یک رأی متعارف باشد، بیانگر اطمینان مجلس و ملت به تعهد، توانمندی و شایستگی‌های آزموده‌شده جنابعالی برای نقش‌آفرینی در این مسند حساس و مهم است.

پیام روشن این رخداد خرسندکننده در خانه ملت مبعوث، ضرورت تداوم راه قدرت‌ساز و غرورانگیز شهید امیر نصیرزاده، در تقویت ظرفیت‌های راهبردی وزارت دفاع در مقطع سرنوشت‌ساز کنونی را مورد تأکید قرار می‌دهد که به فضل الهی در تعامل و هم‌افزایی نیروهای مسلح با مجموعه صنعت دفاعی و بهره‌گیری از جامعه نخبگان و متخصصان و شرکت‌های دانش‌بنیان کشور محقق خواهد شد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در چارچوب مأموریت‌های خود، آمادگی دارد همپوشانی و هم‌افزایی راهبردی را با وزارت دفاع در این مسیر مبارک به‌ویژه در عرصه مقابله موفق با تهدیدهای ترکیبی دشمن گسترش دهد.

از خداوند متعال، توفیق روزافزون جناب‌عالی و آحاد مسؤولان، معاونان، متخصصان و کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را تحت عنایت حضرت ولی‌عصر(عج)، تمسک به میراث جاودانه خمینی کبیر رحمه‌الله علیه و خامنه‌ای شهید قدس سزّه الشریف و تبعیت از تدابیر، فرامین و رهنمودهای حکیمانه مقام عظمای ولایت و رهبری و فرماندهی کل قوا حضرت امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای مدّ ظله العالی مسالت می‌کنم.

سرلشکر پاسدار احمد وحیدی
فرمانده‌کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

در سیاست بین‌الملل، همیشه قدرتمندترین بازیگر، برنده نهایی نیست؛ گاهی یک قدرت بزرگ می‌تواند هزینه‌های سنگینی به‌رقیب تحمیل کند اما در تبدیل این فشار به نتیجه سیاسی مطلوب ناکام می‌ماند. این همان نقطه‌ای است که باید راهبرد آمریکا در قبال ایران را از آن بررسی کرد: توانایی واشنگتن در تحریم، تهدید نظامی و محدودسازی اقتصادی، الزاما به معنای توانایی آن برای تعیین سرنوشت راهبردی ایران است؟

از سال ۲۰۱۸ سیاست «فشار حداکثری» با این انتظار دنبال شد که افزایش هزینه‌های اقتصادی، ایران را به پذیرش خواسته‌های گسترده‌تر آمریکا وادارد اما گذشت زمان نشان داد میان قدرت اعمال فشار و قدرت تحمیل نتیجه، فاصله‌ای جدی وجود دارد. خروج آمریکا از توافق هسته‌ای، بازگشت تحریم‌ها و گسترش محدودیت‌های مالی، هزینه‌هایی برای ایران ایجاد کرد، با این حال، این فشارها نتوانست اهداف اعلام‌شده واشنگتن را محقق کند. گزارش مؤسسه چتم هاوز در سال ۲۰۲۵ درباره کارنامه تحریم‌ها، با بررسی ۸۵۸ مورد تحریم غربی با اهدافی چون تغییر سیاسی، ترویج دموکراسی یا دفاع از حقوق بشر، نشان می‌دهد ۴۳۶ مورد از سوی کشورهای تحریم‌کننده موفق ارزیابی شده، ۱۱۳ مورد شکست خورده و ۳۰۹ مورد همچنان اعلام‌دار بوده است. این آمار به‌تنهایی درباره ایران حکم صادر نمی‌کند اما نشان می‌دهد تحریم، برخلاف تصور رایج، ابزار تضمین‌شده‌ای برای تحقق اهداف سیاسی نیست. بنابراین مسأله اصلی این نیست که آمریکا چقدر توانسته به اقتصاد ایران فشار وارد کند، پرسش تعیین‌کننده آن است که این فشارها تا چه اندازه به نتیجه سیاسی مورد نظر واشنگتن منجر شده است. قدرتی که هزینه می‌سازد، الزاما قدرتی نیست که نتیجه می‌سازد.

(الف) استهلاک راهبردی؛ وقتی فشار ادامه دارد اما مسأله حل نمی‌شود

راهبرد مهار هنگلمی با بحران کارآمدی روبه‌رو می‌شود که حفظ آن به یک تعهد مستمر و پرهزینه تبدیل شود، بی‌آنکه اهداف اصلی آن به طور پایدار تحقق یابد. در چنین وضعیتی، مسأله فقط هزینه‌های مستقیم نیست، منابع دیپلماتیک، نظامی و سیاسی نیز باید پیوسته برای مدیریت پیامدهای تقلیل اختصاص یابند. تحولات سال ۲۰۲۶ البته تصویر پیچیده‌تری ارائه می‌کند. گزارش‌های اکتبر رويترز نشان می‌دهد محاصره دریایی آمریکا،روی صادرات نفت خام ایران تأثیر گذاشته اما حتی در چنین شرایطی، باید میان موفقیت عملیاتی و موفقیت راهبردی تمایز گذاشت، متوقف کردن صادرات نفت، یک هدف عملیاتی قابل اندازه‌گیری است اما وادار کردن ایران به پذیرش توافقی پایدار، تغییر محاسبات امنیتی آن یا پایان دادن به تقلیل، اهدافی متفاوتند. تحقق هدف نخست لزوماً به معنای تحقق اهداف دوم و سوم نیست.

گزارش واشنگتن پست در ۹ اکتبر ۲۰۲۶ نیز از تغییر مرکز دولت ترامپ به سمت یک جنگ اقتصادی طولانی‌تر حکایت دارد؛ تغییری که خود نشان می‌دهد دستیابی سریع به نتیجه، آنگونه که در ابتدا وعده داده می‌شد، آسان نبوده است. در عین حال، همان گزارش از کاهش شدید درآمدهای نفتی ایران سخن می‌گوید. از منظر راهبردی، این ۲ واقعیت باید همزمان دیده شود: آمریکا توانسته فشار مؤثری وارد کند اما استمرار فشار به خودی خود ثابت نمی‌کند نتیجه سیاسی نهایی نیز به دست آمده است. استهلاک راهبردی زمانی معنا پیدا می‌کند که هزینه‌های فزاینده با دستاوردهای سیاسی متناسب هم‌راه نباشد.

(ب) ایران؛ مقاومت در برابر فشار تا حفظ قدرت کنشگری
 یکی از مهم‌ترین نتایج راهبردی ایران در سال‌های فشار،

حفظ امکان تصمیم‌گیری مستقل در شرایطی بوده که هدف سیاست آمریکا محدود کردن دامنه انتخاب‌های تهران بوده است. این دستاورد را نباید با رفع تحریم‌ها یا حل مشکلات اقتصادی یکسان دانست اما از منظر رقابت راهبردی، جلوگیری از تبدیل فشار خارجی به تسلیم کامل در برابر خواسته‌های طرف مقابل، خود اهمیت دارد.

گزارش آوریل ۲۰۲۶ پروژه «ایران ۲۰۴۰» دانشگاه استنفورد، با بررسی روند صادرات نفتی و غیرنفتی نشان می‌دهد صادرات ایران پس از افت سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ دوباره افزایش یافت و تا سال ۲۰۲۴ از سطح دوران اجرای توافق هسته‌ای فراتر رفت. نویسندگان گزارش همچنین از تداوم این روند در سال ۲۰۲۵ و ۲ ماه نخست ۲۰۲۶ سخن می‌گویند. این یافته شاهده‌ی بر آن است که تحریم‌ها حتی در صورت تداوم رسمی، الزاما به معنای انزواي اقتصادی کامل یا توقف همه مسیرهای تجاری نیست. البته این گزارش به معنای بی‌اثر بودن تحریم‌ها نیست، بلکه نشان می‌دهد توان سازگاری اقتصادی و تغییر مسیرهای صادراتی می‌تواند میان شدت فشار و نتیجه نهایی فاصله ایجاد کند.

با این حال، شرایط کنونی تفاوت مهمی با سال‌های گذشته دارد. دستاورد ایران را باید دقیق‌تر تعریف کرد: نه مصونیت در برابر فشار، بلکه حفظ ظرفیت کنشگری در شرایط فشار. این ظرفیت هنگلمی ارزش راهبردی بیشتری می‌یابد که به امکان انتخاب‌های متنوع‌تر، روابط خارجی پایدارتر و قدرت چانه‌زنی مؤثرتر منجر شود.

سنجش راهبرد مهار آمریکا با معیاری فراتر از شدت تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی

هزینه‌سازی یا نتیجه‌سازی؟



(پ) اثرگذاری منطقه‌ای؛ قدرتی فراتر از شاخص‌های اقتصادی
 قدرت ایران فقط در میزان صادرات یا ذخایر نظامی آن خلاصه نمی‌شود. موقعیت جغرافیایی، نقش آن در امنیت خلیج فارس، توان بازدارندگی و تأثیرگذاری بر محاسبات کشورهای منطقه، همگی در تعیین جایگاه راهبردی تهران نقش دارد.

مارس ۲۰۲۶ مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا در تحلیلی درباره شیوه‌های اعمال فشار ایران در چند حوزه، توضیح داد تهدید جریان‌های حیاتی؛ از حمل‌ونقل دریایی تا زیرساخت‌های انرژی و ارتباطات می‌تواند بدون نیاز به انهدام گسترده اهداف، بر رفتار اقتصادی و محاسبات سیاسی دیگران اثر بگذارد. این تحلیل در واقع نشان می‌دهد حتی در ارزیابی یک اندیشکده آمریکایی، اثرگذاری راهبردی را نمی‌توان صرفا با شمار اهداف نظامی منهدم‌شده سنجید.

البته ایجاد اختلال با دستپایی به پیروزی سیاسی یکسان نیست. افزایش هزینه بیمه کشتی‌ها، نگرانی درباره امنیت انرژی یا تشدید فشار بر دولت‌های منطقه ممکن است قدرت چانه‌زنی ایجاد کند اما این ظرفیت تنها زمانی به دستاورد پایدار تبدیل می‌شود که در خدمت هدف سیاسی روشن قرار گیرد.

حوزه	دستاورد یا ظرفیت قابل مشاهده	محدودیت و مسأله حل نشده
تاب‌آوری اقتصادی	بازگشت صادرات نفتی و غیرنفتی در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ مطابق گزارش استنفورد	محاصره دریایی ۲۰۲۶ و افت شدید صادرات نفت خام نشان می‌دهد این سازگاری آسیب‌پذیر است
بازدارندگی و اثرگذاری امنیتی	توان اثرگذاری بر محاسبات امنیتی منطقه و هزینه‌های تقابل	ارزیابی‌های IISS در ژوئن ۲۰۲۵ از آسیب‌پذیری‌های دفاعی و محدودیت‌های راهبرد موشکی ایران خبر دادند
دیپلماسی منطقه‌ای	احیای روابط با عربستان در سال ۲۰۲۳ و گسترش امکان گفت‌وگوهای منطقه‌ای	تبدیل تنش‌زدایی به ترتیبات امنیتی پایدار و منافع اقتصادی گسترده همچنان نیازمند پیگیری است
مقابله با انزواي بین‌المللی	حفظ پیوندهای تجاری و روابط با شرکای غیرغربی	وابستگی بالای صادرات نفت به چین و دشواری جذب سرمایه‌گذاری گسترده، قدرت مأمور اقتصادی را محدود می‌کند
قدرت چانه‌زنی	باقی‌ماندن ایران به عنوان یکی از متغیرهای مهم امنیت خلیج فارس	اثرگذاری بر محاسبات دیگران، به‌نهایی به رفع تحریم‌ها یا توافق سیاسی مطلوب منجر نشده است

تحلیل اندیشکده شورای روابط خارجی از اختلاف راهبردی اروپا و آمریکا بر سر مهار چین

شکاف آتلانتیکی

یکی از مقامات ارشد آلمان، این ابزار را به نوعی «سلاح ضربه دوم» تشبیه کرده است. به نظر نمی‌رسد اروپا دیگر قصد داشته باشد از شدت واکنش خود بکاهد، برعکس، ظاهرا خود را برای رویارویی آماده می‌کند.

این پیشنهاد در حال حاضر چیزی بیش از یک توصیه نیست اما حکایت از تغییر اساسی در نگاه اروپا دارد. آنها چنین نوشت‌اند که «نظام تجارت آزاد مبتنی بر قواعد، شدیداً تحت تأثیر استفاده ابزاری از تجارت، رویه‌های نظام‌مند مخل بازار و ناترازی‌های کلان اقتصاد جهانی قرار گرفته است». آنها معتقدند ابزار تجاری جدیدی لازم است تا «به‌زبانیم با مواردی مقابله کنیم که کشورهای سوم، عمداً از طریق ابزارهای سیاسی یا اقتصادی، در پی جلوگیری از بازگشت شرایط رقابت برابر و عادلانه به بازار هستند و نتایجاً اختلالاتی شدید و نظاممند در بازار داخلی ما ایجاد می‌کنند». اگرچه این‌نام هیچ کشور مشخصی را نمی‌ورد و حتی می‌توان تصور کرد ایالات متحده نیز هدف این ابزار قرار گیرد ولی روشن است این سازوکار با در نظر داشتن چین طراحی شده است. البته فرانسوی‌ها مدتی است بر این مسأله تأکید می‌کنند و مکرون نیز این اعتبار را برای خود خریده که از حامیان جدی اعمال تعرفه‌های اتحادیه اروپایی بر خودروهای برقی چینی است.

اهمیت این اعلام موضع از آنجائ ناشی می‌شود که آلمان سال‌ها یکی از موانع اصلی اتخاذ رویکردی ته‌اجمی‌تر در قبال چین در حوزه اقتصاد بود. برلین سرانجام به این نتیجه رسیده که خود، قربانی و هدف سیاست صنعتی سازمان‌یافته پکن بوده است که پایه صنعتی آلمان را تضعیف می‌کند. مشاغل تولیدی را از میان می‌برد و استقلال اقتصادی آن کشور را زیر سوال می‌برد. این روند در دست در زمانی جریان دارد که آلمان در حال کنار گذاشتن تدریجی واردات انرژی روسیه است. به‌طور مثال، واردات کالاهای چینی هر ماه به از دست رفتن ۱۰ هزار شغل تولیدی اروپایی‌ها نشان دادند شاید قصد دارند مسیر دیگری را پیش بگیرند. فردریش مرتس، صدراعظم آلمان و امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه هفته گذشته در نامه‌ای به اورزولافن درلاین (رئیس کمیسیون اروپا) پیشنهاد کردند اتحادیه اروپایی، یک‌ایز تجاری را برای استفاده در شرایط اضطراری به کار گیرد که به کمیسیون اروپا اجازه می‌دهد در صورت اعمال فشار اقتصادی از سوی چین، مخصوصاً از طریق محدودیت صادرات فلزات کمیاب، دسترسی پکن به بازار واحد اتحادیه اروپایی را فوراً قطع کند.

داد ترتیبات دیپلماتیک تازه می‌تواند در کنار رقابت‌های امنیتی شکل بگیرد و فضای منطقه‌ای را تغییر دهد. روترتزر در تحلیل ژوئن ۲۰۲۵ خود، نقش میانجیگری چین را بخشی از افزایش حضور دیپلماتیک پکن در خلیج فارس ارزیابی کرد.

برای ایران، نتیجه راهبردی زمانی حاصل می‌شود که ظرفیت اثرگذاری نه فقط برای بالا بردن هزینه رقیب، بلکه برای شکل دادن به ترتیبات امنیتی و روابط اقتصادی بایناب‌ت‌بر به کار گرفته شود. قدرت منطقه‌ای، اگر به فرصت‌های پایدار تبدیل نشود، بخشی از ظرفیت خود را بالفعل نکرده است.

(ت) کارنامه ایران؛ جلوگیری از شکست تا تولید نتیجه

برای ارزیابی منصفانه، باید دستاوردهای ایران را در چند حوزه بررسی کرد و میان «نتیجه قابل مشاهده»، «محدودیت» و «هدف تحقق‌یافته» تمایز گذاشت. جدولی که در پایین متن آمده یک ارزیابی تحلیلی است، نه رتبه‌بندی قطعی، زیرا میزان موفقیت هر حوزه به اهدافی بستگی دارد که برای آن تعریف می‌شود. این جدول یک نتیجه مهم دارد: ایران در برخی حوزه‌ها توانسته از تبدیل فشار به شکست راهبردی کامل جلوگیری کند اما این امر به معنای تحقق همه اهداف نیست. همچنین آمریکا در اعمال فشار اقتصادی و نظامی توانمندی قابل توجهی نشان داده اما میزان موفقیت نهایی آن را باید با اهداف سیاسی‌اش سنجید.

گزارش مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی (IISS) در ژوئن ۲۰۲۵، از ایجاد باردهی محدودیت‌ها در حوزه موشکی حکایت دارد. این ارزیابی یادآور می‌شود ظرفیت بازدارندگی باید دائماً با توجه به توانایی‌های واقعی، آسیب‌پذیری‌ها و تغییر رفتار طرف مقابل بازبینی شود.

پس معیار درست، نه انکار محدودیت‌هاست و نه نادیده گرفتن دستاوردها، بلکه تشخیص حوزه‌هایی است که ایران توانسته در آنها اثرگذار باشد و حوزه‌هایی که هنوز نتوانسته ظرفیت خود را به نتیجه مطلوب تبدیل کند.

(ث) قدرت هزینه‌سازی تا قدرت نتیجه‌سازی

رقابت ایران و آمریکا وارد مرحله‌ای شده که سنجش آن با معیارهای ساده‌ای چون شدت تحریم، تعداد حملات یا میزان فشار اقتصادی کفایت نمی‌کند. آمریکا می‌تواند در یک مقطع صادرات نفت ایران را متوقف یا محدود کند، ایران نیز می‌تواند با اتکابه موقعیت ژئوپلیتیک و ظرفیت‌های خود، بر محاسبات امنیتی منطقه‌ای نگذازد اما هیچ‌یک از این ۲ واقعیت به‌تنهایی حکم نهایی درباره برنده راهبردی را صادر نمی‌کند.

برای واشنگتن، پرسش این است: آیا فشارهای سنگین، اهداف سیاسی مورد انتظار را محقق می‌کند یا صرفاً به تعهدی طولانی‌مدت و پرهزینه تبدیل می‌شود؟ برای تهران، پرسش مهم‌تر آن است که آیا مقاومت و اثرگذاری می‌تواند به امنیت پایدارتر، فرصت‌های اقتصادی بیشتر، روابط منطقه‌ای مستحکم‌تر و قدرت چانه‌زنی مؤثرتر منجر شود؟

در این‌صورت، «قدرتی که هزینه می‌سازد» زمانی به برتری راهبردی دست می‌یابد که بتواند هزینه‌های خود را به نتیجه مطلوب تبدیل کند و «قدرتی که نتیجه می‌سازد» زمانی موفق است که ظرفیت مقاومت و اثرگذاری را به دستاوردهایی ملموس و ماندگار ارتقا دهد.

از منظر ایران، ناکامی راهبرد مهار آمریکا فرصتی راهبردی است، نه مقصد نهایی. اگر واشنگتن نتوانسته باشد با وجود فشارهای گسترده، اراده خود را به طور کامل تحمیل کند، ایران باید این فاصله را به امکان تازه‌ای برای تقویت موقعیت منطقه‌ای و اقتصادی خود تبدیل کند. ماندن در وضعیت مقاومت، هرچند مهم، کافی نیست؛ مرحله بعد، تبدیل ظرفیت به نتیجه است. قدرت نهایی آن نیست که فقط هزینه‌ای بر رقیب تحمیل کند؛ قدرتی است که بتواند آینده مطلوب‌تری برای خود بسازد.

کرد، توجیه این تصمیم صریحاً امنیتی بود. آلمان نمی‌خواست روسیه را تأمین مالی کند، روسیه‌ای که برای جلوگیری از پیشروی آن در اوکراین، میلیاردها دلار هزینه کرد. تغییر رویکرد آلمان در قبال چین نیز پیامدهای امنیتی دارد اما مجموعه‌ای پیچیده‌تر از انگیزه‌ها آن را پیش می‌برد. چنانکه گزارش فایننشال تایمز تأیید می‌کند، مرتس پس از مشاهده خسارات سنگینی که به بخش‌های مختلف صنعت آلمان وارد شده بود، به ضرورت اتخاذ رویکردی سخت‌گیرانه‌تر پی برد. تضعیف پایه صنعتی آلمان، همانند ایالات متحده و دیگر کشورهای اروپای غربی، به رشد جریان‌های پوپولیست راست‌گرا دامن زده است؛ معنایی متفاوت و حساس‌تر دارد. پرسش پیش روی مرتس و دیگر رهبران اروپا این است: این تغییر رویکرد کمتر از حد و دیرینه‌نگام نیست؟

در گذشته، متعاعد کردن اتحادیه اروپایی به همکاری با ایالات متحده برای اتخاذ موضع‌ی قاطع‌تر در قبال چین دشوار بود و درخواست‌های واشنگتن با مقاومت بروکسل مواجه می‌شد. اروپایی‌ها تمایلی نداشتند وارد چیزی شوند که آن را وسواس ایالات متحده برای رقابت با چین تلقی و تصور می‌کردند می‌توانند راه سومی را دنبال کنند. اعلام موضع این فتنه‌شان داد در میان متحدان اروپایی واشنگتن، تمایل فزاینده‌ای برای اتخاذ سیاستی ته‌اجمی‌تر در قبال چین شکل گرفته است اما این تغییر رویکرد درست در زمانی رخ می‌دهد که دولت ترامپ یا دست کم شخص او، تمایل چندانی به رویارویی نشان نمی‌دهد. خطر این است که ایالات متحده در اروپا با دیگر کاملاً هم‌مسیر نباشند. شبکه متحدان ایالات متحده یکی از بزرگ‌ترین مزیت‌های ژئوپلیتیک آن کشور است. اقداماتی از قبیل وضع تعرفه، اعمال محدودیت‌های صادراتی و بررسی سرمایه‌گذاری‌های خارجی، زمانی مؤثرتر خواهد بود که کشورهای همفکر در کنار یکدیگر قرار گیرند. دولت ترامپ و دولت‌های بعد آمریکا با مجموعه‌ای از مسائل مرتبط با چین، از تابوان و هوش مصنوعی گرفته تا مواد معدنی حیاتی مواجه خواهند شد؛ مسأله‌ای که در آنها همکاری متحدان تعیین‌کننده است. البته نباید زود نتیجه‌گیری کرد اما پیشنهاد مکرون و مرتس نشان می‌دهد راهبرد اروپا در مسیر درستی حرکت می‌کند. پرسش اصلی این است: وقتی اروپا به مقصد برسد، ایالات متحده نیز در کنار آن خواهد بود؟»